

شرح حال رجال ایران

در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری

نگارش

مهدی بامداد

کتابفروشی زوار تهران شاه آباد

DS271
،B35

ز. 6

شماره ثبت دفتر مخصوص کتابخانه ملی ۱۶۷۲ مورخ ۱۳۵۳/۱۱/۲۳

از این کتاب ۲۰۰۰ نسخه در سال ۱۳۵۱ خورشیدی در چاپخانه
بانک بازرگانی ایران چاپ شد

محمد باقر

حاج میرزا محمد باقر فرزند محمدجعفر پسر محمد صادق معروف به همدانی^۱ در سال ۱۲۳۹ هجری قمری در قریه قهی^۲ زاده شد.

مدتی در مدرسه نیم آورد اصفهان مشغول به تحصیل بود سپس به کرمان رفت و در حوزه درس حاج محمد کریم خان قاجار پیشوای فرقه شیخیه داخل شده و از شاگردان او گردید و ضمناً خیلی طرف توجه و اعتماد او بود. چندی که گذشت از طرف رئیس فرقه شیخیه بسمت سرپرستی و ریاست شیخیه همدان مأموریت یافت و بآن شهر روانه گردید.



حاج میرزا محمد باقر پیشوای یکی از فرق شیخیه

و بیراه نبود بنا بر این از این جا نزاع شروع شد و سرانجام میرزا محمد باقر نتوانست که کاملاً بر حاج محمد خان غلبه کند لکن برای خود بنا بر تمایل جمعی دسته‌ای تشکیل داد

پس از درگذشت حاج محمد کریم خان در سال ۱۲۸۸ قمری و جانشین شدن حاج محمد خان پسرش میرزا محمد باقر سخت با انتصاب وی بجانشینی حاج محمد کریم خان مخالفت نمود و مخالفتش هم‌میتنی بر این اصل بود که خود را اعلیٰ و برتر از او دانسته و پیشوایی شیخیه را حق مسلم خود میدانست و برفش هم این بود که پیشوایی و جانشین شدن نباید موروثی باشد هم چنانکه سید کاظم رشتی چون اعلیٰ شاگردان شیخ احسائی بود دیگران از وی تمکین کردند و او را به پیشوایی خویش برگزیدند و همچنین حاج محمد کریم خان که اعلیٰ شاگردان سید کاظم بود پیشوا گردید و اکنون هم باید اعلیٰ فقهای شیخیه باید پیشوا باشد و همگان بوی اقتداء کنند نه بپسر پیشوای سابق. گفته‌اش پر بی منطق

۱- حاج میرزا محمد باقر اصلاً اصفهانی است و چون مدت سی سال در همدان ساکن

بوده بدین جهت معروف شده است به همدانی.

۲- قهی دهی است از دهستان حومه بخش کوهپایه شهرستان اصفهان.



حاج میرزا محمدباقر با عده‌ای از شاگردان و پیروان خود

و انشعابی در فرقه شیخیه ایجاد گردید و فرقه شیخیه حاج محمد کریم خانی از این تاریخ بدو دسته تقسیم شدند. دسته‌ای که هواخواه حاج محمدخان بودند آنها را ناطقی و فواطق میگویند و دسته‌ای که بطرفداری حاج میرزا محمدباقر باقیمانده اند آنان را باقری میگویند. اکنون فرقه ناطقی بجهاتی زیادتر از باقری است. شیخی‌های جندق و بیابانک و نائین و همدان باقری هستند و سایرین ناطقی میباشند. امروزه شیخی‌ها بچند فرقه تقسیم شده‌اند:

شیخیه آذربایجان جمعی پیشوای خودشان را حاج میرزا محمد شفیع ثقة الاسلام و پس از وی پیرو اولاد او هستند و جمعی دیگر آخوند ملامحمد ممقانی حجة الاسلام و اولاد او را پیشوای خویش میدانند.

در نزاعی که میان شیخیه و غیر شیخیه^۱ در سال ۱۳۱۵ قمری در همدان رویداد حاج میرزا محمدباقر پیشوای فرقه شیخیه باقری ناگزیر گردید که به نائین که جمعی شیخیه

۱- ناطقی منسوب است بوحدت ناطق شیعی. وحدت ناطق شیعی معنایش اینست که در مذهب باید همیشه یک نفر ناطق یعنی پیشوا باشد و باقی صامت و ساکت باشند.
۲- بالاسریها.

در آنجا بودند برود.

نامبرده در سال ۱۳۱۹ قمری در سن ۸۰ سالگی در جندق در گذشت و جنازه او را به مشهد برده باهتمام مرتضی قلیخان نائینی متولیباشی آستانقدس رضوی که خود نیز از باقریها بود در یکی از حجرات شمال غربی صحن نو بخاک سپرده شد. شیخی هائیکه در مشهد تابع و پیرو او هستند غالباً در آن حجره گرد هم جمع میشوند و ضمناً هنگام نماز در آنجا نماز میگذارند.

حاج میرزا محمدباقر دارای تألیفات بسیاری است^۱ که قسمتی از آنها^۲ چاپ و منتشر شده است.

آخوند ملا محمدباقر متخلص به صحبت^۳ در سال ۱۱۶۲ هجری قمری در بیرم لارستان زاده شد. تحصیلات خود را ابتداء در فسا

محمدباقر

وسپس در شیراز خیلی خوب نمود بعد به لارستان بازگشت و در آنجا اهالی او را مطاع و بعنوان امام جمعه و جماعت خود برگزیدند.

حاجی علی اکبر نواب متخلص به بسمل در کتاب تذکره دلگشا تألیف خویش درباره وی این چنین مینویسد: «ملا محمدباقر صحبت تخلص لاری بشیراز آمد و بسعی تمام در تحصیل علوم شتافت و بحدود ذهنی و کثرت حافظه واستقامت سلیقه بر اقران برتری یافت و در دانشمندی مرتبه بلند و پایه ارجمند جسته گل مراد از حدیقه خاطرش رسته طومار تعلم و تعلیم را در نور دیده بوطن مألوف برگردید و در لارستان صفوف جماعت را امام و مقتدای اشراف کرام است. در تواریخ سلف اطلاعی تمام و در حل مسائل مشکله قدرتی مالا کلام دارد و در لغات عربی و پارسی و دری در نهایت استحضار و در فنون عربیه و ادبیه در کمال اقتدار است و در اواخر عمر از حلیه بصر عاری گشته بزبور بصیرت آراسته بود و در سال هزار و دوویست و پنجاه و یک^۴ برحمت ایزدی پیوست. دیوان شعرش از سی هزار بیت گذشته است».

صحبت لاری ملمعی دارد که برخی از اشخاص آن را به قره العین نسبت میدهند در

۱- در حدود ۱۵۰ کتاب و رساله.

۲- ده کتاب و رساله.

۳- خودش میگوید:

به صحبت چو بسیار رغبت کنم

۴- در سن نود سالگی.